

پروردگار من الله است

فارسي



محبت و دوستی 1

www.with-allah.com/fa



دکتر محمد بن سرار یامی
دکتر عبدالله بن سالم باهمام

۱. محبت و دوستی مفهوم دوستی با خداوند

دوستی خداوند

این دوستی عبارت است از آرامش و انس دل و میل آن به سوی خداوند و پذیرش هر آن چه می خواهد و چیره شدن یاد و ذکر خداوند بر دل.

حقیقت محبت و دوستی خداوند

محبت و دوستی خداوند همان محبت پرستش او و فروتنی در برابرش و احترام نسبت به اومی باشد. در دل بنده دوستدار چنان محبت و عظمتی از خداوند باشد که به سبب آن دستورهای او را گردن نهاده و از منهیات او دوری گیرند. این محبت اصل ایمان و توحید بوده و بر این محبت فضیلت های فراوانی حاصل می شود و از آثار محبت و دوستی خداوند محبت و دوستی با زمان، مکان، افراد، کارها، سخنان و دیگر مواردی است که خداوند دوست می دارد.

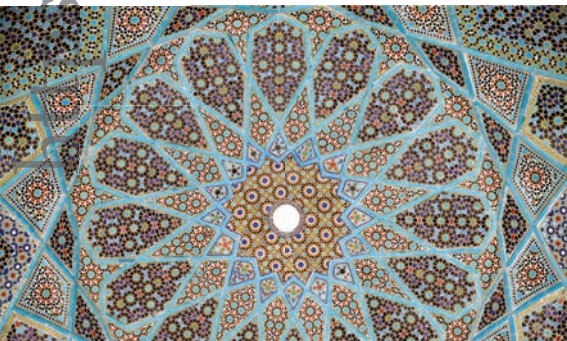
همان گونه که لازم است تا دوستی خداوند فقط برای او باشد، دوستی های طبیعی مانند دوستی فرزند با پدر و مادر و مادر با

شهادت و گواهی لا اله الا الله برای بنده یکتاپرست ثمرات فراوانی دارد و او را پاک و تزکیه می کند و اعمال قلوب را برای او به نتیجه می رساند. اعمالی مانند محبت، خوف و امید، توکل و غیره و بر رفتار عملی او اثر می گذارد، فرقی نمی کند که آن اعمال فردی باشند یا به همراه مردم. گواهی "لا اله الا الله" شخصیت بنده، تفکر، رفتار و قلب او را بازسازی می نماید تا خالص برای خدا بوده و معنی عبودیت برای الله محقق شود. عبادت نامی است جامع و فراگیر برای تمام کارها، سخنان ظاهری و آن چه در قلبش پنهان دارد. این آثار به شرح زیر توضیح داده می شوند:

قسمت اول: آثار تعبدی بر قلب:

برای توضیح معنی عبادت قلبی و فضیلت آن، نمونه هایی از عبادت قلبی را ذکر می کنم، که آنها اثری از آثار گواهی به "لا اله الا الله" هستند و از این نمونه است:

هر کس خداوند را شناخت او را دوست می گیرد.



هیچ عبادتی به مانند دوستی و محبت خداوند و بیم و امید نسبت به او نیست.

شوق دیدار خداوند نسیمی است که بر قلب می وزد و دنیا را شاداب می سازد.

۳. انتهای نعمت و شادی و شادمانی: این امر جز با محبت و دوستی الله تعالی بدست نمی آید. دل بی نیاز نمی شود و پریشانی او بر طرف نمی گردد و گرسنگی آن پایان نمی پذیرد مگر با محبت و روی آوری به سوی خداوند ارجمند و با عظمت. اگر چه تمام لذت های او فراهم باشد اما انس و آرامش او در گرو محبت و دوستی الله بلند مرتبه می باشد. دوستی او هشت دل هاست و هیچ چیز در نزد دل های سالم و روان های پاک و عقل های راه یافته و پاک شیرین تر و لذیذ تر و پاک تر و شادی بخش تر از محبت و انس گرفتن با او و شوق دیدار او نیست. شیرینی که مومن در دل خود می یابد بالاتر از هر شیرینی، نعمت و سرور است، آن از هر نعمتی کامل تر و لذتی که از آن حاصل می شود از هر لذتی بالاتر است.

" سه ویژگی اند که در هر کس باشند شیرینی ایمان را می یابد: خدا و رسول او از هر کس در نزدش محبوب تر باشند. دوستی او با هر کس فقط برای خدا باشد و بازگشت به کفر برای او بعد از اینکه خداوند او را از آن نجات داد به مانند سقوط و فرو افتادن در آتش، سخت و ناگوار باشد."

(روایت از بخاری، مسلم و نسائی است)

فرزند و دانش آموز با معلم و دوستی خورد و نوش، ازدواج، لباس، دوستان و دیگر چیزها با دوستی خداوند در تعارض نیست.

اما محبت و دوستی حرام به مانند شریک قرار دادن در محبت خداوند هستند، مانند محبت و دوستی با مشرکان و بت های آنان، یا ترجیح دادن خواهشات نفسانی بر امور مورد پسند خداوند یا دوست داشتن اماکن، اشخاص، کارها و سخنانی که خداوند نمی پسندد که این امور از جمله مهلکات هستند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و از مردم کسانی هستند که به جای خدا همتیانی را [برای او] بر می گیرند که آنها را مانند دوست داشتن خدا دوست می دارند- و مؤمنان در دوستی خدا قوی ترند" - [سوره بقره آیه ۱۶۵]

از جمله فضیلت های محبت و دوستی با خداوند:

۲. محبت اصل توحید و یکتا پرستی است و روح توحید خالص کردن محبت و دوستی برای خداوند یکتاست بلکه آن همان حقیقت عبادت است و توحید تکمیل نمی شود تا محبت بنده با خدایش تکمیل نشود و بر تمامی دوستی ها سبقت بگیرد و بر آنها چیره شده و بر همگی حکم کند، به طوری که دوستی بندگان تابع و پیرو این محبت باشد. یعنی همان محبتی که سعادت و رستگاری بنده در آن است.

۳. دلداری دوستدار به وقت مصیبت: دوستدار لذت این محبت را درک می کند و تمام مصیبت ها را از یاد برده و سختی ها را برایش آسان می سازد.

۳. تداوم یاد و ذکر خداوند در هر حال، چه با زبان و دل و چه با حال و در هر کار و عملی که انجام می دهد.
۴. مقدم شمردن ملزومات محبت خداوند بر خواهشات و امیال نفس آدمی.

"آنان را دوست می دارد و [آنان نیز] او را دوست می دارند" [سوره مائده آیه ۵۴]

۵. مطالعه عمیق اسماء و صفات الله تعالی و شناخت آنها
۶. مشاهده نیکی و احسان و نعمت های ظاهری و باطنی او.
۷. فروتنی کلی دل در برابر پروردگار ارجمند و با عظمت
۸. خلوت گزیدن با الله تعالی در یک سوم آخر شب، آن گاه که پروردگار به آسمان دنیا فرود می آید، با خداوند خلوت گزیده و با او مناجات کرده و کتاب او را بخواند و مودبانه در برابر او به نیاز بایستد و آن را با توبه و استغفار پایان دهد.
۹. هم نشینی با دوستان صادق خداوند و استفاده از ثمرات سخنان پاک و نیکوی آنان و سخن نگفتن مگر هنگامی که مصلحت آن غالب بوده و برایش آشکار شود که منفعت آن بیشتر و برای دیگران سودمند است.
۱۰. دوری از هر چیزی که سبب دوری او از پروردگار ارجمند و با عظمت می شود.

به طور ساده هیچ کس بدبخت تر از کسی نیست که از آرامش و انس با الله تعالی محروم باشد.

اسبابی که محبت الله تعالی را ایجاد می کنند:

پروردگار ارجمند و با عظمت دوستدار کسی است که او را دوست دارد و به او تقرب می جوید. نخستین امری که سبب جلب محبت و دوستی خداوند می شود آن است که بنده خدایش را بیش از همه دوست داشته و هیچ مخلوقی را چون او دوست نداشته باشد. تفصیل اسبابی که سبب محبت خداوند می شوند به شرح زیر است:

۱. قرائت با تدبر قرآن و فهم معانی و مفاهیم آن. هر کس به کتاب خداوند پرداخت و به آن عمل نمود، دلش به محبت خداوند آباد می شود.
۲. تقرب جستن به خداوند به وسیله نوافل بعد از انجام فرائض:

"همیشه بنده من با نوافل به من تقرب می جوید تا اینکه او را دوست می گیرم و آنگاه که او را به دوست گرفتم، من گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و دست او می شوم که با آن کار می کند و پای او می شوم که با آن راه می رود. اگر چیزی از من بخواهد به او می دهم و اگر از من پناه بطلبد او را پناه می دهم"

(حدیث قدسی، بخاری روایت کرده است)

از جمله ثمرات محبت و دوستی الله تعالی با بنده:

- هر که را خداوند به دوستی بگیرد او را هدایت کرده و به خود نزدیک می کند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:

"پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: من برابر با گمان بنده ام هستم. هرگاه مرا یاد کرد با او هستم. اگر مرا به تنهایی یاد کند من او را نزد خودم یاد می کنم و اگر مرا در جمعی یاد کرد من هم او را در جمعی بهتر از آن یاد می کنم و اگر یک وجب به من نزدیک شود من دو وجب به او نزدیک می شوم و اگر نیم متر به من نزدیک شود من یک متر به او نزدیک می شوم و اگر او آرام آرام به سوی من بیاید من دوان دوان به سوی او می روم" (روایت از بخاری است)

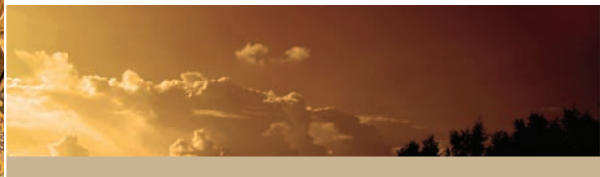
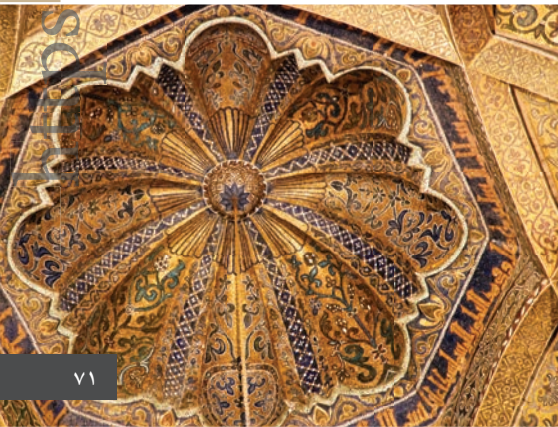
تا بنده از خدایش بپرهیزد و تقوا پیشه کند خداوند هدایت او را می افزایشد و هرگاه که او را به دوستی بگیرد هدایت او را می افزایشد و هرگاه او هدایت شد تقوایش را می افزایشد.

- هر کس را خداوند دوست بگیرد او را در زمین مقبول همه می کند: منظور از مقبولیت این بنده که خداوند او را دوست گرفته، تمایل به سوی او و رضایت و خشنودی از او و تعریف، مدح و ثناء از او، است که از هر طرف سرازیر می شود. همه او را دوست می گیرند مگر فرد کافر، زیرا او دوستی با خداوند را انکار کرده است. پس چگونه او با دوستان خداوند دوست می شود؟ رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:

" آن گاه که خداوند بنده ای را دوست گرفت جبرئیل را فرا می خواند و می گوید: من فلان بنده ام را دوست دارم پس تو هم او را دوست بدار. می فرماید: پس جبرئیل او را دوست می دارد. سپس در آسمان بانگ می دهد و می گوید: همانا خداوند فلان بنده را به دوستی گرفته، پس شما هم او را به دوستی بگیرید. پس اهل آسمان او را دوست می گیرند. می فرماید: بعد از آن او محبوب همگی و مورد پذیرش همه قرار می گیرد" (روایت از مسلم است)

و این چنین آن گاه که خداوند بنده ای را دوست گرفت رعایت و عنایت خود را شامل حال او کرده و همه چیز را در خدمت او نهاده و هر سختی را برایش آسان می سازد. هر امر دوری را برایش نزدیک و دست یافتنی ساخته و کار دنیا را برایش آسان می کند و او احساس خستگی و درماندگی نمی کند. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند برایشان دوستی مقرر خواهد نمود"

[سوره مریم آیه ۹۶]



ایمان راستین، زندگی و حیات روح و میدان شادی ها است. همانسان که کفر به خداوند مرگ پیش هنگام و میدان غم، غصه و اندوه است.

- هر کس را خداوند دوست بگیرد خداوند دعای او را اجابت می کند: از جمله دلایل دوستی خداوند با بنده آن است که دعای او را اجابت نموده و به مجرد برافراشتن دستش به سمت خداوند و گفتن "یا رب" دعای او را می پذیرد. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و چون بندگانم درباره من از تو پرسند، [بگو:] به راستی که من نزدیکم. دعای دعا کننده را هنگامی که مرا [به دعا] بخواند، روا می دارم. پس باید که از من فرمان پذیرند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند" [سوره بقره آیه ۱۸۶]

از سلمان فارسی روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: "همانا خداوند بسیار با شرم و حیا و بزرگوار است و شرمش می آید که بنده دستانش را به سوی او بلند کند و او آنها را خالی برگرداند" (روایت از ترمذی است)

آن گاه که خداوند بنده ای را به دوستی گرفت، به فرشتگان امر می کند تا برای او استغفار کنند: فرشتگان برای هر کسی که خداوند او را دوست بگیرد استغفار می کنند و از خداوند برایش رحمت می طلبند. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید:

"کسانی که عرش را حمل می کنند و آنان که پیرامون آن (عرش) هستند با ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان آموزش می خواهند

- هر کس را خداوند دوست بگیرد معیت خود را شامل او می کند: آن گاه که خداوند بنده ای را دوست گرفت او را پشتیبانی کرده و به عنایت و توجه خود، او را فرامی گیرد و کسی را بر او مسلط نمی کند تا او را بیزارند یا اذیت کنند. در حدیث قدسی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:

"همانا خداوند فرمود: هر کس بنده مرا به دشمنی گرفت من به او اعلان جنگ می کنم و هرگز بنده نمی تواند با چیزی بهتر از فریاض به من تقرب جوید. همیشه بنده با نوافل به من تقرب می جوید تا من او را دوست خود می گیرم و چون من او را دوست گرفتم گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و دست او می شوم که با آن کار می کند و پای او می شوم که با آن راه می رود و اگر از من درخواستی بکند به او می دهم و اگر به من پناه برسد به او پناه می دهم. من هرگز در انجام چیزی تردید نکرده ام مگر در گرفتن روح بنده ای که مرگ را ناخوش دارد و من ناراحتی اش را خوش ندارم." (روایت از بخاری است)



می‌شدید خوش باشید" [سوره فصلت آیه ۳۰]

- آن گاه که خداوند بنده ای را دوست گرفت او را در بهشت جاویدان قرار می‌دهد: هر کس را خداوند دوست گرفت او را در آخرت در بهشتش جای می‌دهد. لطف و کرم خداوند بر دوستانش در سرای دیگریه ذهن کسی خطور نکرده و نمی‌کند. خداوند ارجمند و با عظمت دوستانش را به بهشتی وعده داده است که در آن هر آنچه که نفس آدمی میل کند وجود دارد. همانگونه که در حدیث قدسی آمده است، رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرموده است: "خداوند می‌فرماید: برای بندگان صالح ام آماده کرده ام آنچه را که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی وصف آن را نشنیده و بر ذهن هیچ بشری خطور نکرده است. بخوانید اگر خواستید: "هیچ نفس نمی‌داند آنچه را که از خنکی چشم برایشان پنهان نگه داشته شده است" (روایت از بخاری است)

دنیا هرگز گوارا نمی‌شود مگر با دوستی و محبت پروردگار بلند مرتبه و پیروی از او و بهشت جز با دیدار و مشاهده او گوارا نمی‌شود.

[می‌گویند: پروردگارا، بخشایش و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است. پس آنان را که توبه کرده‌اند و از راه توبه پیروی کرده‌اند، بیامرز. و آنان را از عذاب دوزخ حفظ کن" [سوره غافر آیه ۷]

و خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "نزدیک است که آسمانها از فرازشان بشکافند. و فرشتگان با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند. و برای زمینیان آموزش می‌خواهند. بدانکه خداوند آموزگار مهربان است" [سوره شوری آیه ۵]

آن گاه که خداوند بنده ای را دوست گرفت او را در هنگامی قبض روح می‌کند که مشغول انجام کار نیک و صالح است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: "آن گاه که خداوند به بنده ای قصد خیر نماید او را "عسلی" می‌کند. گفته شد منظور از "عسلی" می‌کند چیست؟ فرمود: پیش از مرگ کار صالح و نیکی را برای او می‌گشاید و سپس او را بر آن می‌میراند" (روایت از احمد است)

- آن گاه که خداوند بنده ای را دوست بگیرد او را به هنگام مرگ آرامش می‌دهد: آن گاه که خداوند بنده ای را دوست گرفت او را در دنیا آرامش می‌دهد و به هنگام مرگ آرامش و ثبات قدم را نصیب او می‌گرداند و سپس فرشتگانش را به سویش می‌فرستد تا او را قبض روح کنند و به هنگام مرگ او را ثابت قدم می‌کنند و او را به بهشت مژده می‌دهند. خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "کسانی که گفتند: پروردگاران خداست، آن گاه استوار ماندند. فرشتگان [با این پیام] بر آنان فرو می‌آیند که نرسید و اندوهگین نباشید و به بهشتی که وعده داده



از جمله ثمرات محبت و دوستی پروردگار
بلند مرتبه دیدار اوست:

پروردگار ارجمند و با عظمت با نورش بر
بندگان که دوستشان دارد آشکار می شود و
آنان چیزی محبوبتر از آن نخواهند یافت. روایت
شده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم
به ماه شب چهارده نگریسته و فرمودند: " همانا
شما پروردگارتان را خواهید دید همان گونه
که این ماه را می بینید و در دیدن آن دچار
ازدحام نمی شوید، پس نماز پیش از طلوع و
غروب خورشید را از دست ندهید، سپس
این آیه را خواند: " حمد خدایت را پیش از
طلوع خورشید و پیش از غروب تسبیح بکن"
(روایت از صحیح بخاری است)

نکته ها و احکامی پیرامون محبت و دوستی خداوند:

۱. حب و دوستی خداوند با بنده مانع آمدن بلا
و مصیبت بر او نیست: رسول خدا صلی الله
علیه و سلم فرموده است:



منافق است. منافق دارای نفاق بزرگ را، بهره ای از دین نیست، اما نمی توان به گناهکاران گفت که آنان از محبت خداوند تهی هستند. بلکه می توان گفت که محبت آنان با خداوند ناقص است و بر همین اساس با آنها برخورد می شود. رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: "اگر شما مرتکب هیچ گناهی نشوید خداوند تبارک و تعالی قومی دیگر را می آفریند تا گناه کنند و سپس طلب بیخوشش گناهان خود را نمایند." (روایت از احمد است)

"آزادی عبارت است از آزادی قلب از شرک، شهوات، شهات. و پرستش که عمل قلب است، نباید برای غیر خدا باشد"

۳. محبت و دوستی با خداوند در تضاد با دوستی های طبیعی که نفس آدمی به آنها تمایل دارد، نیست. دوستی خورد و خوراک و نوشیدنی و زنان و غیره. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "از دنیا من دوستدار زنان و عطریات هستم." (روایت از احمد است)

پس در دنیا یک سری امور هستند که دوستی و محبت آنها شرک نیست. زیرا نبی خدا صلی الله علیه و سلم آنها را دوست گرفته است. به همین خاطر برای انسان جایز است تا چیزهایی را در دنیا دوست داشته باشد، البته به شرطی که از امور حرام نباشند.

۴. هر گاه شخصی کسی یا چیزی را همسنگ با محبت خداوند به دوستی گرفت، او مشرک است. خداوند بلند مرتبه می فرماید:

"بزرگی پاداش به همراه بزرگی آزمایش و بلا است. آن گاه که خداوند قومی را دوست گرفت آن را می آزماید پس هر کس خشنود شد و رضایت داد خشنودی و رضایت نصیب او می شود و هر کس ناخشنود شد، پس ناخشنودی بهره او می شود" (روایت از ترمذی است)

خداوند بنده را به انواع مصیبت ها مبتلا می کند تا او را از پلیدی گناهان پاک و جلا بدهد و دل او را از پرداختن به دنیا فارغ کند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و به راستی شما را می آزمایم تا جهادگراتان و شکیبایان را معلوم بداریم و اوضاع [و احوال] شما را بیازماییم" [سوره محمد آیه ۳۱]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و به یقین شما را با چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش اموال و جانها و فرآورده ها می آزمایم و به بردباران [بر این آزمون] مژده بده (۱۵۵) [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، گویند: «اِنَّ اللّٰهَ وَاَنَا اِلٰهٍ رَاجِعُونَ». (۱۵۶) اینانند که از جانب پروردگارشان درودها و رحمتی بر آنان است و همینان رهیافته اند (۱۵۷)" [سوره بقره آیات ۱۵۷-۱۵۵]

۲. گناه و نافرمانی بنده سبب کاهش یافتن محبت و دوستی خداوند و پایین آمدن کمال آن خواهد شد. محبت به مانند ایمان است و اصلی برای خود دارد و آن را کمال و بلندی است و برابر با گناهان از کمال و رفعت اش کاسته می شود و هر گاه فرد در مرحله اختلاف و نفاق بزرگ وارد شد اصل آن از بین می رود و نابود می گردد. کسی که در دلش محبت پروردگار ارجمند و با عظمت نیست او کافر یا مرتد و یا



خداوند بلند مرتبه می فرماید:

"بگو: اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و خویشاوندانتان و ماهلایی که آن را به دست آورده‌اید و تجارتی که از کسادیش می‌ترسید و خانه‌هایی که آنها را می‌پسندید در نزد شما از خدا و رسولش و جهاد کردن در راه او محبوب‌ترند، پس در انتظار باشید تا خداوند حکمش را در میان آورد. و خداوند گروه نافرمانان را هدایت نمی‌کند" [سوره توبه آیه ۲۴]

در این آیه هشدار بسیار جدی برای کسی است که یکی از این موارد هشت گانه در نزد او محبوب‌تر از خداوند هستند. از انس رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: "هیچ یک از شما مومن نمی‌شود تا زمانی که من از فرزند و پدر و تمامی مردم در نزد او محبوب‌تر نباشم" (روایت از ابن ماجه است)

۵. دوستی و همکاری با مشرکان و رها کردن مومنان، با دوستی خداوند به دلیل شرک مشرک و دینش در تعارض است. دوستی به خاطر خداوند و دشمنی به خاطر او اصلی بزرگ در دین است. پروردگار ارجمند و با عظمت می‌فرماید: "مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان دوستان [خویش] گیرند و هر کس این [کار] را کند [او را] در هیچ چیز از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست. مگر آنکه به نوعی از آنان حذر کنید" [سوره آل عمران آیه ۲۸]

"و از مردم کسانی هستند که به جای خدا همتیانی را [برای او] بر می‌گیرند که آنها را مانند دوست داشتن خدا دوست می‌دارند- و مؤمنان در دوستی خدا قوی‌ترند- و اگر [این] ستمکاران هنگامی که عذاب را می‌بینند، ببینند [که شریکانشان سودی نمی‌بخشند، خواهند دانست] که همه توان از آن خداست و اینکه خداوند سخت کیفر است" [سوره بقره آیه ۱۶۵]

در آیه هشدار سختی برای کسی است که محبت شخص دیگری را با محبت خداوند برابر قرار می‌دهد و به او مانند خداوند احترام می‌گذارد و به او تعظیم می‌کند.

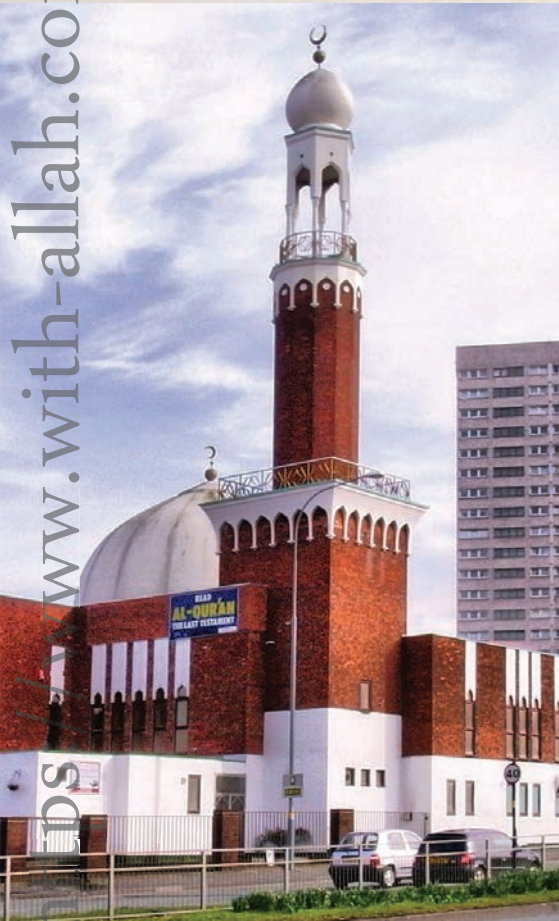
رسول خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: "همانا برترین اعمال در نزد پروردگار ارجمند و با عظمت دوستی برای خداوند و دشمنی برای اوست" (روایت از احمد است)



نشانه دوستی با خداوند کثرت یاد او و شوق دیدارش است. هر کس چیزی را دوست بدارد آن را فراوان یاد می کند و دوست دارد آن را دیدار کرده و به آن برسد.

ربیع بن انس

https://www.with-allah.com/fa



خداوند مومنان را از دوستی و همکاری با کافران باز داشته و تاکید می کند که هر کس چنین عملی را مرتکب شود او هیچ بهره ای از دوستی خداوند ندارد. دوستی با دوستان و دوستی با دشمنانش در تضاد با هم قرار دارند: "مگر آنکه به نوعی از آنان حذر کنید"

[سوره آل عمران آیه ۲۸]

خداوند بلند مرتبه در دوستی با آنان در زمان ترس اجازه داده است زیرا همزیستی نیکو جز به این طریق با آنان امکان ندارد. در این مورد خاص همزیستی ظاهری با آنان جایز است، در حالی که قلب به ایمان آرامش و اطمینان داشته و در دل از کافران متنفر باشد. همان گونه که خداوند می فرماید: "مگر کسی که وادار [به کفر] شود و دلش به ایمان مطمئن باشد"

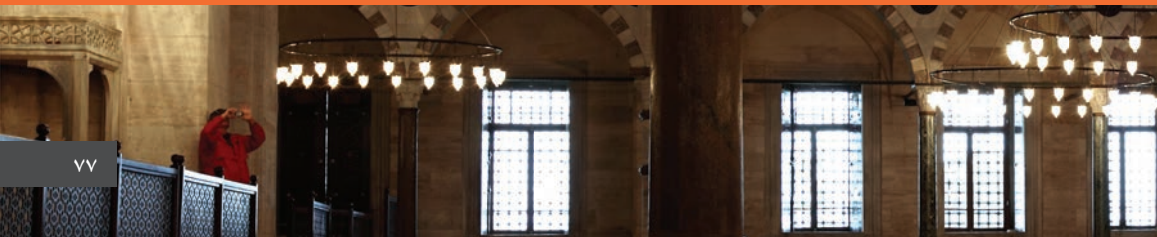
[سوره نحل آیه ۱۰۶]

درخشش دوستی

آن گاه که پیامبر ما صلی الله علیه و سلم میان زندگی دنیا و دیدار پروردگار ارجمند و با عظمت اختیار داده شده، فرمود: "نه بلکه من آن دوست والا را ترجیح می دهم"

[روایت از احمد است]

رسول خدا صلی الله علیه و سلم دوستی و محبت پروردگار ارجمند و با عظمت و دیدار با او و فضل و رحمت او را بر دوستی دنیا و لذات و بهره های آن ترجیح داد.





بازبینی

۱. محبت را معنی کنید؟
۲. آثار محبت خداوند را بر خود و زندگی تان بیان نمایید.
۳. آیا امکان دارد که خداوند را با محبت و بدون بیم و امید پرستید؟ برای پاسخ از زندگی پیامبران دلیل بیاورید.
۴. آن گاه که خداوند بنده ای را به دوستی می گیرد چه چیزی نصیب او می شود؟
۵. رابطه اسماء الله و صفات او را با محبتش توضیح دهید؟



۲. امید:

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید "آسان بگیری و سختگیری نکنید، بشارت دهید و تنفر ایجاد نکنید" (روایت از بخاری است)

مفهوم آن:

امید عبارت است از:

احساس نمودن وجود خداوند و فضل و رحمت او و شادی نسبت به مطالعه کرم و احسان او و اعتماد نسبت به آن دل ها را به سوی الله و بهشت او می برد. پروردگار ارجمند و باعظمت می فرماید: "و هر کس که بدی کند یا بر خویشتن ستم روا دارد، آن گاه از خداوند آمرزش بخواهد، خداوند را آمرزنده مهربان می یابد" [سوره نساء آیه ۱۱۰]

انواع آن:

امید بر سه نوع است. دو نوع آن پسندیده و یک نوع از آن ناپسند است:

۱. امید به عملی که در راستای اطاعت خداوند بوده و بر اساس نوری از جانب اوست که امید رسیدن ثواب را از طرف او دارد.

۲. امیدواری کسی که گناهی مرتکب شده و سپس توبه نموده است. امید مغفرت خداوندی و محو گناهان و درگذشتن از آنها و پوشیده ماندن آنها را دارد.

۳. امیدواری کسی که در گناهان فرو رفته و در آنها از حد گذشته، او امید رحمت و مغفرت

خدایش را دارد، اما بدون هیچ گونه عملی و این یک غرور و آرزو و اوهام و خیالات است. امیدی دروغین که هرگز پسندیده به شمار نمی رود. امید مومنان به همراه عمل است. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "به راستی آنان که ایمان آوردند و آنان که هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند، اینانند که به رحمت الهی امیدوارند و خداوند آمرزنده مهربان است" [سوره بقره آیه ۲۱۸]

مراتب آن:

امید مراتب و درجاتی دارد که از فردی تا فرد دیگر متفاوت است و این مراتب عبارتند از:

۱. امیدی که فرد را به سعی در عبادت تشویق می کند و در نزد صاحبش لذت انجام عبادت را بوجود می آورد حتی اگر شاق و سخت باشد. از اموری که او را از گناهان و منکرات به دور نگه می دارند.

۲. امید مجتهدین در ترک آنچه که به آن عادت کرده اند و نفس آنان به آن خو گرفته است و همچنین اموری که آنان را از خواسته خدایشان دور نگه می دارد و دل هایشان را برای خداوند پاک و خالص می گرداند.

۳. امید صاحبان دل ها:

این امید دیدار خالق هستی به همراه شوق و علاقه و ارتباط قلب به او بوده و این بهترین و برترین انواع امید است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "پس کسی که به لقای پروردگارش امیدوار است باید که کار پسندیده ای انجام دهد و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نیاورد" [سوره کهف آیه ۱۱۰]

و کریم و بخشنده و مغفرت کننده و لطیف
مواجه است. او در این دنیا دلسوز بوده و آنگاه
که به نزد پروردگار ارجمند و با عظمت وارد شد
امید امان از او دارد.

ثمرات امید:

۱. تلاش برای انجام کارهای نیک و طاعات را
در نزد صاحبش تقویت می کند.
۲. صاحب امید به پایبندی بر طاعات عادت می
کند، هر چند که اوضاع تغییر کرده و یا در
تنگنا باشد.
۳. صاحب امید همیشه به خداوند رو کرده و با او
مناجات می کند و در طلب و درخواست از
او بسیار لطافت به خرج داده و با اصرار از او
می خواهد.
۴. او بندگی موفق را به نهایش می گذارد و نیاز
بنده به خدایش را آشکار می سازد. او از فضل
و احسان خداوند بلند مرتبه لحظه ای بی نیاز
نیست.
۵. علم و یقین به وجود الله تعالی و کرم او،
خداوند پاک بخشنده ترین کسی است که
از او درخواست شده و دادن او از همگی
گسترده تر و بیشتر است. او دوست دارد
بندگان از او بخواهند و به او امید داشته و
بر آن پافشاری ورزند.

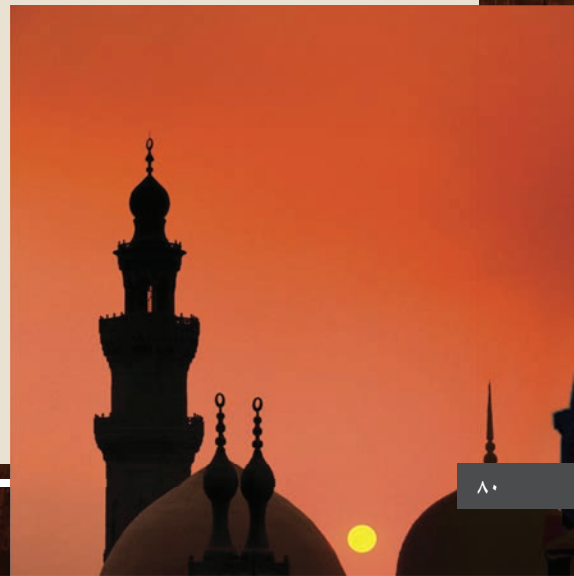
۶. امید بنده را در چهارچوب محبت الله تعالی
کشانده و او را به سوی کمال می برد. امیدش
افزایش می یابد و آنچه را که آرزو داشت
به دستش می رسد. دوستی او با خدایش و
شکر گذاری و خشنودی اش از او افزایش می
یابد و این از مقتضیات و ارکان عبودیت است.

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "کسی که
به لقای خداوند امید داشته باشد، [بداند
که] میعاد خداوند آمدنی است و او شنوایی
داناست" [سوره عنکبوت آیه ۵]

هر کس به چیزی امید داشته باشد آن را
درخواست می کند.

ارتباط آن به شناخت اسماء و صفات الله تعالی:

فردی که در او صفت امید وجود دارد
بر عبادات خودش ملازم می کند و بر
مقتضیات ایمان عامل بوده و امیدوار است که
خداوند بلند مرتبه او را گمراه نکند. اعمالش
را بپذیرد و آنها را به سویش برنگرداند و
پاداش او را چند برابر کند و به او مزد بدهد.
او از تمام اسبابی که می تواند استفاده می کند و
امید رحمت پروردگار را دارد زیرا او الله تعالی
و اسماء و صفات او را می شناسد و می داند
که او با خدایی مهربان و دوستدار و شکرگذار



احکام و تعالیم آن:

۱. لازمه ترس، امید و لازمه امید، ترس است. به همین سبب نیکوست در جایی امید داشته باشیم که انتظار ترس می رود: "شما را چه شده است که برای خداوند بزرگی [و شکوه] قایل نمی شوید!" [سوره نوح آیه ۱۳]

و پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید:
"به مؤمنان بگو: از کسانی که به «ایام الله» امیدی ندارند، در گذرند" [سوره جاثیه آیه ۱۴]

یعنی از فرود آمدن عذاب خداوند بر سرشان نمی ترسند، همانگونه که بر امت های گذشته آمد و آنان را هلاک و برباد ساخت.

۲. امید دارویی است که به آن در موارد زیر نیاز داریم:

- زمانی که ناامیدی بر بنده چیره شده و عبادت را رها می کند.

- ترس بر فرد طوری چیره شود که به خود و خانواده اش زیان زند و ترس او از مقدار شرعی مطلوب تجاوز کند. در این هنگام حتما باید تعدیل شده و با چیزی تقویت شود، تا تعادل در آن برقرار گردد و آن همان حالت امیدواری است که حالتی طبیعی در نزد مومنین است.

۳. امید ضد یاس و ناامیدی است. ناامیدی و یاس یادآوری از دست رفتن رحمت الله تعالی است، به گونه ای که دیگر قلب بنده از او درخواست و التماسی نمی کند و این حالت سبب گمراهی و کفر می شود. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و از رحمت خدا ناامید مگردید. چرا که جز گروه کافران از رحمت خدا ناامید نمی گردند" [سوره یوسف آیه ۸۷]

فرد امیدوار همیشه به فضل خداوند راغب است و به خدایش گمان نیک داشته و امید رسیدن آن را دارد.

مومن بهترین گمان را به خدایش داشته و کارهایش را نیکو می گرداند و گناهکار به خدایش گمان بد می برد و کاری بد می کند.

از جمله نیک گمانی به خداوند آن است که بدانی که خداوند کسی را که به او پناه بگیرد ضایع و نابود نمی سازد.

۷. بنده را به مقام شکرگذاری می رساند زیرا او را برای رسیدن به مقام سپاسگذاری از نعمت ها تشویق می کند و این خلاصه عبودیت است.

۸. شناختن اسماء و صفات الله تعالی: خداوند مهربان، کریم، جواد، مجیب، جمیل، غنی و پاک است. خداوند چقدر با عظمت می باشد!

۹. سبب رسیدن بنده به چیزی می شود که امید آن را دارد و رسیدن بنده به امر مطلوب را به درخواست بیشتر و اصرار بر آن و شهادت مشروط می کند و این چنین بنده در افزایش همیشگی ایمان و تقرب به سوی خداوند مهربان است.

۱۰. شادی مومنان در روز رستاخیز رسیدن به خشنودی خداوند و بهشت او و دیدار خداوند پاک است. همگی این موارد بسته به مقدار امید بندگان و ترس آنان از خداوند در دنیا دارد.



اگر ترازویی بیاورند و ترس و امید مومن وزن شوند
هر دو به یک اندازه خواهند بود.

دوست ندارم که حساب مرا به پدرم حواله کنند .
پروردگارم از پدرم برای من بخت و دلسوز تر است.
امام سفیان ثوری

عبادت جز با خوف و رجا (ترس و امید) تکمیل
نمی شود. با ترس بنده از گناهان دست می کشد و
با امید برکارهای نیک و طاعات می افزاید.
امام ابن کثیر

بازبینی

۱. آیا امید به خدا به عمل وامی دارد؟ در پرتوی این کلام خداوند در این باره سخن بگویید:
"پس کسی که به لقای پروردگارش امیدوار است باید که کار پسندیده‌ای انجام دهد و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نیاورد" [سوره کهف آیه ۱۱۰]
۲. آیا منظور از امید به خداوند نترسیدن از اوست؟ یا این که لازمه ترس از خداوند، امید نداشتن به اوست؟
۳. نام های خداوند که امید به او را لازم می گردانند، ذکر کنید.

۳. ترس

"و خداوند شما را از [کیفر] خودش بر حذر می‌دارد"

[سوره آل عمران آیه ۳۰]

مفهوم آن

ترس از خداوند از جمله عبادات قلبی بزرگ است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "این فقط شیطان است که [شما را] از دوستانش می‌ترساند. پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید" [سوره آل عمران آیه ۱۷۵]

این آیه واجب می کند که باید به تنهایی از خداوند ترسید و بر این تاکید می کند که این از جمله لوازم ایمان بوده و بنده به مقدار ایمانش از خداوند می ترسد.

از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود:

"از پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم در باره این آیه پرسیدم:

"و کسانی که آنچه را باید [در راه خدا] بدهند، می دهند و دهانشان بیمناک است"

آیا آنان کسانی هستند که شراب می نوشند و دزدی می کنند؟ فرمود: نه ای دختر صدیق بلکه آنان کسانی هستند که روزه می گیرند و نماز می خوانند و صدقه می دهند و می ترسند که از آنان پذیرفته نشود" (روایت از ترمذی است)

انگیزه های ترس از خداوند:

۱. بزرگ دانستن خداوند بلند مرتبه و با عظمت و احترام و تکریم او زیرا به اسماء و صفات او آگاه اند.

"از پروردگارشان که بر آنان چیره است می ترسند" [سوره نحل آیه ۵۰]

۲. ترس از اینکه سرانجامش ناگوار شود و گرفتار عذاب دردناک جهنم و سرانجام بد گردد.

۳. احساس او نسبت به کوتاهی اش در رابطه با وظایفی که برعهده ایشان گذاشته شده است از آنجا که از دانش و آگاهی خداوند برخوردار و از قدرت او آگاه است، بیش از آنکه به کوچکی گناه بنگرد به بزرگی و عظمت کسی می نگردد که نافرمانی او را کرده است.

۴. تدبیر در کلام خدای پاک که پر از هشدار و تهدید برای کسی است که نافرمانی کرده و از شریعت و قانون او دوری می ورزد و نوری را که برایش فرستاده شده رها می سازد.

۵. تدبیر در کلام پروردگار و فرستاده او و نگرستن در سیره و زندگی او صلی الله علیه و سلم

۶. تفکر در عظمت خداوند ارجمند و با عظمت، هر کس در این زمینه فکر کند به صفات کبریایی و با عظمت پروردگار پی می برد و هر کس قلبش عظمت خداوند را گواهی داد آنگاه جایگاه هشدار خداوند را متوجه می شود و بدون تردید از خداوند می ترسد.

"و خدا شما را از [کیفر] خود بر حذر می دارد" [سوره آل عمران آیه ۲۸]

و پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید:
"و خداوند را چنان که سزاوار بزرگی اوست، ارج ننهاند. و روز قیامت زمین، یک جا در قبضه [قدرت] اوست. و آسمانها در دست [قدرت] او درهم نور دیده شوند."
[سوره زمر آیه ۶۷]

لازمه ترس از خداوند دانش نسبت به اوست و لازمه علم و دانش به او خشیت اش و لازمه خشیت، طاعت و پیروی از اوست.

۷. تفکر در باره مرگ و شدت آن و اینکه هیچ راه فراری از آن نیست: "بگو: آن مرگی که از آن می گریزید، [بدانید] که آن به شما خواهد رسید" [سوره جمعه آیه ۸]

این امر ترس از خداوند را لازم می گرداند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:

"از بین برنده لذات (یعنی مرگ) را زیاد یاد کنید، چرا که هر کس آن را در تنگی یاد کند برایش گشایش حاصل می شود و هر کس در گشایش آن را یاد کند برایش تنگی حاصل می شود" (روایت از طبرانی است)

۸. تفکر در باره بعد از مرگ، پیرامون قبر و حوادث ترسناک آن. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "من شما را از زیارت قبرها باز داشته بودم اما اکنون آنها را زیارت کنید چرا که سبب زهد در دنیا و یادآوری آخرت می شوند" (روایت از ابن ماجه است)

از براء روایت شده است که گفت: " ما به همراه رسول خدا صلی الله علیه و سلم در یک تشیع جنازه بودیم. پس بر کناره قبر نشست و گریست تا حدی که خاک تر شد و سپس گفت: ای برادرانم خودتان را برای این چنین روزی آماده کنید" (روایت از ابن ماجه است)

و پروردگار ارجمند و با عظمت فرموده است: "ای مردم، از پروردگارتان پروا بدارید و از روزی بترسید که هیچ پدری از فرزندش کفایت نکند و نه هیچ فرزندی است که او بتواند چیزی را از پدرش کفایت کند. بی گمان وعده خداوند راست است، پس زندگانی دنیا شما را نفریبید و شیطان فریبکار شما را نسبت به خداوند فریب ندهد" [سوره لقمان آیه ۳۳]

۹. تفکر در باره سرانجام گناهان کوچک، گناهایی که مردم آنها را حقیر می شمارند در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و سلم آنها را این چنین مثال می زند که یک قوم در یک بیابان چادر می زنند و برای جمع کردن هیزم پراکنده می شوند و هر کس تکه ای چوب می آورد و آن قدر چوب جمع می شود که نان خود را می پزند. در اینجا ارتباطی میان چوب های نازک و روشن شدن آتش، و میان گناهان و پخته شدن پوست گناهکاران وجود دارد: "هر گاه پوستهایشان پخته شود" [سوره نساء آیه ۵۶]

۱۰. بنده بداند که امکان دارد میان او و توبه، با مرگ ناگهانی فاصله انداخته شود. آن هنگام افسوس و حسرت سودی ندارد. خداوند بلند مرتبه می فرماید

"تا آن گاه که مرگ به سوی کسی از آنان آید، گوید: پروردگارا، مرا باز گردان"

[سوره مومنون آیه ۹۹]

و می فرماید: "از [فرارسیدن] روز حسرت [و پشیمانی] هشدار ده" [سوره مریم آیه ۳۹]

۱۱. اندیشیدن در سرانجام بد. خداوند بلند

مرتبه می فرماید: "فرشتگان بر روی هایشان و

پشتهایشان می زنند" [سوره انفال آیه ۵۰]

۱۲. با کسانی همنشین شوید که خشیت و

ترس از خداوند را در دلتان افزایش دهند.

خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید:

"و خودت را در همراهی با کسانی که

پروردگارشان را به صبح و شام در حالی که

خشنودی او را می جویند، به [دعای خوانند]

پایبند کن." [سوره کهف آیه ۲۸]

ترس از خداوند به دو موضوع مرتبط است:

۱- ترس از عذاب او: به کسی هشدار می دهد که به او شریکی قایل شود و نافرمانی او را کرده و از تقوا و اطاعت او خارج شود.

۲- ترس از خداوند: و آن ترس دانشمندان و کسانی است که خداوند را می شناسند: "و خدا شما را از [کیفر] خود بر حذر می دارد"

[سوره آل عمران آیه ۲۸]

هر گاه شناخت به خداوند افزایش یافت، بر ترس از او افزوده می شود. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "جز این نیست که از خداوند،

بندگان عالمش بیم دارند" [سوره فاطر آیه ۲۸]



"می‌گویند: [جز این نیست که برای کسب خوشنودی خداوند به شما خوراک می‌دهیم. از شما پاداشی و سپاسی نمی‌خواهیم (۱۰)]
ما در روزی که [رویاها] ترش شوند و بس دشوار است از پروردگاران می‌ترسیم"

[سوره انسان آیات ۱۰-۹]

و می‌فرماید: "در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده است که رفعت یابند و نام او در آنجا یاد شود. او را صبح و شام در آنجا تسبیح می‌گویند (۳۶) مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آنان را از یاد خدا و بر پای داشتن نماز و پرداخت زکات باز ندارد. از آن روزی می‌ترسند که دلها و دیدگان در آن [روز] نگران شوند (۳۷)" [سوره نور آیات ۳۷-۳۶]

یعنی به حرکت و جنبش در می‌آید و آن‌ها را به عمل و می‌دارد. نجات و رهایی می‌خواهند و از هلاکت و بربادی بیمناکند و از این می‌ترسند که نامه اعمالشان به دست چپ داده شود.

آن‌گاه که ترس، قلب را آرام کرد جایگاه شهوات را در آن می‌سوزاند و دنیا را از آن بیرون می‌کند.

آن‌که از الله ترسید، آن ترس او را به تمام امور خیر راهنمایی می‌کند.

زیرا آن‌گاه که شناخت آنان به خدا و نام‌های نیکوی و صفات او تکمیل شد، ترس بر آنان چیره می‌شود و اثر آن بر قلبشان آشکار و سپس بر اعضای بدن تاثیر می‌گذارد.

آنگاه که ترس در قلب جای گرفت جایگاه شهوت را در آن می‌سوزاند و دنیا را از آن طرد می‌کند.

از جمله ثمرات ترس از خداوند:

۱. در دنیا:

۱. یکی از اسباب قدرت یابی در دنیا و افزایش ایان و اطمینان است. زیرا آنگاه که به آن چه وعده داده شده‌ای رسیدی بیش از پیش به خداوند اعتماد می‌کنی. پروردگار ارجمند و با عظمت می‌فرماید:

"و کافران به رسولانشان گفتند: البته شما را از سرزمین خودمان بیرون کنیم یا [اینکه باید] به دین ما باز آید. پروردگارشان به آنان وحی کرد که ستمکاران را نابود خواهیم کرد (۱۳) و پس از آنان شما را در این سرزمین ساکن خواهیم کرد. و این [وعده] برای کسی است که از ایستادن به پیشگاه من بترسد و از بیم دادن من بهراسد (۱۴)" [سوره ابراهیم آیه ۱۴-۱۳]

۲. به عمل صالح و اخلاص در آن تشویق می‌کند و اینکه در برابر اعمال خود در دنیا چیزی نطلبد و مزد خود در آخرت را کم نکند. پروردگار بلند مرتبه می‌فرماید:



ب- در آخرت:

۱. بنده در روز قیامت زیر سایه عرش قرار می گیرد. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "... و مردی که زنی زیبا و صاحب مقام او را برای بدکاری خواست و او گفت من از خدا می ترسم.." (روایت از بخاری است)

ظاهر حدیث گویای آن است که او این سخن را می گوید تا زن را هشدار دهد و او را به یاد خدا بیاورد. بر نظر خود پافشاری می کند و بعد از ذکر اصول و مبادی خود، از آن ها باز نمی گردد. "... و مردی که به تنهایی خداوند را یاد کرد و دیدگانش پر از اشک شدند.." (روایت از بخاری است)

خشیتی که منجر به جاری شدن اشک شود سبب می گردد تا در روز قیامت آتش آن چشم را لمس نکند.

۲. از جمله اسباب مغفرت و گواه این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و سلم است:

"مردی از گذشتگان را خداوند مال و ثروت داده بود و آن هنگام که زمان مرگش فرا رسید به فرزندانش گفت: من برای شما چگونه پدری بوده ام؟ پاسخ دادند: بهترین پدر. گفت: من هرگز کار نیکی انجام نداده ام، پس وقتی که من مردم مرا بسوزانید و سپس بکوبید و بسایید و در یک روز طوفانی خاکستر مرا به باد دهید، آنان چنین کردند. پس خداوند بلند مرتبه او را گرد آورد و زنده کرد و از او پرسید چرا چنین کردی؟ انگیزه تو در دادن این دستور چه بود؟ گفت ترس



همه اینان کلماتی شریف و پر معنا هستند که لازم است برای به دست آوردن آن معانی سعی شود.

خداوند بلند مرتبه می فرماید: "پهلوهایشان از بسترها به دور می شود. با بیم و امید پروردگارشان را می خوانند و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند (۱۶) پس هیچ کس نمی داند که از آنچه مایه روشنی چشم است چه چیزی برایشان نهان داشته شده است. به [پاس] آنچه می کردند [پاداش یافتند] (۱۷)"

[سوره سجده آیه ۱۷-۱۶]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "آیا [کسی که شرحش را گفتیم، بهتر است] یا کسی که او در لحظه لحظه شب سجده کنان و ایستاده به عبادت می پردازد. در حالی که از آخرت می ترسد و به بخشایش پروردگارش امید می دارد! بگو: آیا آنان که می دانند و آنان که نمی دانند برابرند! تنها خردمندان پند می پذیرند" (سوره زمر آیه ۹)

و می فرماید: "و آنان که از عذاب پروردگارشان ترسند (۲۷) بی گمان عذاب پروردگارشان ایمنی ناپذیر است (۲۸)"

[سوره معارج آیات ۲۸-۲۷]

خداوند نزدیک ترین بندگانش را به سبب خوف و ترسشان نسبت به خداوند ستوده است: "بی گمان آنان به نیکوکاری می شتافتند و ما را با امید و بیم [به دعا] می خواندند و برای ما فروتن بودند" (سوره انبیاء آیه ۹۰)

تو. پس خداوند او را بار رحمت خود در بر گرفت" (روایت از بخاری است)

خداوند او را به سبب جهل و نادانی اش معذور شمرد و ترس او از خدایش برای او موجب شفاعت گردید و گرنه کسی که منکر بعث و رستاخیز باشد کافر است.

۳. همراه خود را به بهشت می رساند. زیرا رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرموده است:

"هر کس بترسد زود حرکت می کند و هر کس زود حرکت کند به منزل مقصود می رسد. خبر دار که کالای خداوند گران بهاست. خبردار که کالای خداوند بهشت است." (روایت از ترمذی است)

۴. یافتن امنیت و آرامش به روز رستاخیز. خداوند بلند مرتبه در حدیثی قدسی می فرماید:

"سوگند به عزتم که من هرگز دو ترس و دو امن را بر بنده ام گرد نمی آورم. اگر در دنیا از من بترسد در قیامت او را امنیت می دهم و اگر در دنیا از من احساس امنیت نمود در آخرت او را می ترسانم" (روایت از بیهقی است)

۵. شامل شدن در توصیفاتی که خداوند از بندگان مومن اش در آیاتی چون این آیه، ذکر نموده است: "مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان فرمانبردار و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان بردبار و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان پاکدامن" (سوره احزاب آیه ۳۵)

– عمر ابن خطاب رضی الله عنه می گوید:
"کاش من چیز قابل ذکری نبودم. ای کاش
مادرم مرا به دنیا نمی آورد"
و می گفت:

" اگر شتری بر کناره فرات گم شود و
بمیرد، من می ترسم که خداوند در روز قیامت
مرا مورد بازخواست قرار بدهد"
و می گفت:

" اگر ندا دهنده ای از آسمان ندا بدهد که ای
مردم همگی شما جز یک نفر وارد بهشت می
شوید، من می ترسم که آن یک نفر من باشم"
عثمان بن عفان رضی الله عنه می گوید:

" دوست داشتم بعد از مرگ دوباره
برانگیخته نمی شدم"
در حالی که او شب را به نماز و خواندن قرآن
و یاد خدا به صبح می رساند.

– ام المومنین عائشه رضی الله عنها این آیه را
می خواند: " آن گاه خداوند بر ما منت نهاد و
ما را از عذاب آتش حفظ کرد" [سوره طور آیه ۲۷]
در نمازش می گریست و می گریست..

"اگر آنان را عذاب کنی، آنان بندگان تو
هستند، و اگر آنان را بیمارزی، تویی که
پیروزمند فرزانه ای" [سوره مائده آیه ۱۱۸]

احکام و نکته های خوف و ترس

۱. خشیت از خوف و ترس خاص تر است.
خشیت از آن کسی است که شناختش به
خداوند بیشتر باشد:

حتی خود فرشتگان هم از پروردگارشان می
ترسند. خداوند بلند مرتبه می فرماید:

"از پروردگارشان که بر آنان چیره است
می ترسند و آنچه را که دستور می یابند، انجام
می دهند" [سوره نحل آیه ۵۰]

۶. خشنودی از جانب خداوند بلند مرتبه:

"خداوند از آنان خشنود شد و [آنان نیز] از
او خشنود شدند. این [پاداش] کسی راست
که از پروردگارش بیمناک باشد" [سوره بینه آیه ۸]

ترس کسانی که خداوند را می شناسند و به او شناخت و معرفت دارند.

اهل معرفت خداوند، با وجود نیکی
کردارشان و امید آنان به خداوند ارجمند و
باعظمت، اما باز هم آنان از او می ترسند و
بیشترین خشیت را از او دارند. از جمله مثالهای
آن عبارتند از:

– گریه رسول خدا صلی الله علیه و سلم در
حال نماز تا جایی که از دل او صدای غل غلی
چون غل غل دیگ جوشان به گوش می رسید.
(روایت از احمد، ابوداود و نسائی است)

– ابوبکر رضی الله عنه زبانش را می گرفت
و می گفت: " این است که مرا به هلاکت می
اندازد"

و می گوید: " ای کاش من درختی بودم که
بر آن تکیه زده می شد"

۳. ترس از خداوند از واجبات و مقتضیات ایمان است. این امر از والامقام ترین منازل راه و سودمندترین آنها برای قلب است. این بر هر آدمی فرض است که به وسیله آن از گناهان جلوگیری کرده و از دنیا، دوستان ناباب، غفلت و از قساوت قلب جلوگیری می کند.

"جز این نیست که از خداوند، بندگان عالمش بیم دارند. بی گمان خداوند پیروزمند آمرزنده است" [سوره فاطر آیه ۲۸]

کسی که از خداوند بترسد هیچ کس به او زیانی نمی رساند و کسی که از غیر خدا ترسید هیچ کس به او سودی نمی رساند.
فضیل بن عیاض

"جز این نیست که از خداوند، بندگان عالمش بیم دارند. بی گمان خداوند پیروزمند آمرزنده است" [سوره فاطر آیه ۲۸]

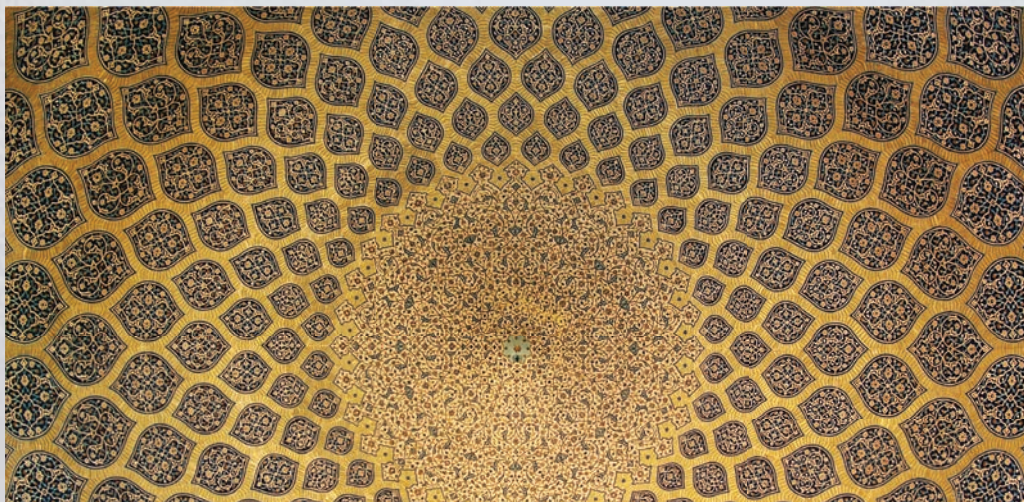
ترسی که با شناخت همراه است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند:

"اما سوگند به خداوند که من پرهیزکارترین شما هستم که بیشتر از همه از او می ترسم"

(روایت از مسلم است)

به اندازه شناخت از خداوند متعال و اسما و صفات و کمال و جلال و معرفت او، خوف و خشیت نیز متغیر است.

۲. خوف و ترس زمانی سودمند است که به سعی و تلاش و توبه و پشیمانی و رها کردن کردار ناشایست منجر شود. ترس از آن جا به وجود می آید که فرد زشتی کار بد و جنایت را می داند و هشدار را تصدیق می کند. از معرفت پروردگار بزرگ و با عظمت و بلند مرتبه بر می خیزد و نمی توان ترسی از خداوند را تصور کرد که به عمل و سعی و تلاش وادار نکند.



بازيبي

۱. مواردی را بیان کرده و سپس بشمارید که سبب افزایش خوف و ترس تو از پروردگار بلند مرتبه می شوند.
۲. پاره ای از اسماء و صفات پروردگار را ذکر کنید که سبب ایجاد خوف و ترس در شما می شوند.
۳. کسی که از خداوند می ترسد چه کار باید بکند؟

